

The Comparative Study of Interpreter Suites in Court and Commercial Arbitrations

Mohammad Zare¹, Behnam Ensafi Azar^{2*}, Mahsa Hosseini Moghadam³

1. Department of Private Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

2. Department of Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

3. Department of Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 39-56

Article history:

Received: 28 Mar 2025

Edition: 30 Apr 2025

Accepted: 11 Jan 2025

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Arbitration, Litigation, Incidental Claims, Legal Capacity, Standing.

Corresponding Author:

Behnam Ensafi Azar

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shi.C., Department of Law.

Orchid Code:

0009-0005-3057-5002

Tel:

09121989255

Email:

maleensafy@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: Any lawsuit brought during the proceedings of another case by the plaintiff, the defendant, a third party, or the main parties against a third party is referred to as an “incidental claim” (Da’va-ye Tāri). If this claim is related to or shares a common origin with the main claim, it must be filed in the same court where the main claim has been lodged. The possibility of raising incidental claims in both arbitration and judicial proceedings has been acknowledged by the legislator. The legislator has established specific conditions for filing such claims in arbitration and court proceedings. The purpose of this study is to comparatively examine these conditions in the two forums.

Materials and Methods: This study follows a descriptive-analytical method.

Ethical Considerations: Throughout the writing of this article, textual originality, honesty, and academic integrity have been observed.

Findings: Incidental claims in both judicial and arbitral proceedings are subject to general and specific conditions, including the existence of a legal interest, legal capacity, standing (i.e., locus standi), a necessary connection or common origin with the main claim, submission within the prescribed time limit, and adherence to subject-matter jurisdiction.

Conclusion: The comparative analysis shows that although there are similarities in the conditions for filing incidental claims in court and arbitration, there are also significant and essential differences. These differences primarily stem from the consensual and contractual nature of arbitration.

Cite this article as:

Zare, M; Ensafi Azar, B; Hosseini Moghadam, M. *The Comparative Study of Interpreter Suites in Court and Commercial Arbitrations*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

بررسی تطبیقی شرایط طرح دعاوی طاری در دادگاه و داوری تجاری

محمد زارع^۱، بهنام انصافی آذر^۲، مهسا حسینی مقدم^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعاوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود دعاوی طاری نامیده می‌شود. این دعا اگر با دعاوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشا باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعاوی اصلی در آنجا اقامه شده است. امکان طرح دعاوی طاری در داوری و دادرسی مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است. قانونگذار برای طرح دعاوی طاری در داوری و دادرسی شرایطی در نظر گرفته است که بررسی تطبیقی شرایط در این دو نهاد هدف این پژوهش می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش این پژوهش توصیفی تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله اصالت متون، صداقتداری و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: دعاوی طاری در دادرسی و داوری دارای شرایط عمومی و اختصاصی از جمله وجود نفع، اهلیت و سمت، لزوم وجود ارتباط یا وحدت منشا، طرح دعا در مهلت مقرر، رعایت صلاحیت ذاتی می‌باشد.

نتیجه: بررسی تطبیقی دعاوی طاری در داوری و دادگاه دارای شروط مشابه می‌باشد، اما برخی از شروط مهم و اساسی که برای دعاوی مورد نیاز بوده، دارای تفاوت می‌باشد، زیرا داوری دارای منشا توافقی و قراردادی می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۶-۳۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

داوری، دادرسی، دعاوی طاری، اهلیت.

نویسنده مسئول:

بهنام انصافی آذر

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق.

تلفن:

09121989255

کد ارکید:

0009-0005-3057-5002

پست الکترونیک:

malekiensafy@gmail.com

۱. مقدمه

دعوی طاری با توجه به قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۱۷ دعوایی است که در مراحل رسیدگی به دعوی دیگر، از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث اقامه می‌شود. دعوی طاری دارای چهار نوع متفاوت بوده، تحت عنوان دعوی متقابل، دعوی اضافی، دعوی ورود ثالث، دعوی جلب ثالث.

حال سوالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که شرایط دعوی طاری در دادگاه و داوری دارای شباهت یا تفاوت می‌باشند؟ بررسی‌ها حاکی از این است که پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی شرایط دعوی طاری در دادرسی و داوری» مورد نظر پژوهشگران قرار نگرفته است، اما موضوعات پژوهشی نزدیک به موضوع شامل مقاله «دعوی ورود ثالث تبعی در حقوق ایران و فرانسه» نگارش شده توسط خیراله هرمزی در سال ۱۳۹۵ می‌باشد که نویسنده در این پژوهش مفهوم ثالث را تبیین می‌کند و مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در دعوی طاری و اثر حکم از نظر اعتبار امر قضاوت شده را مورد نظر قرار می‌دهد.

سوالی که در این پژوهش می‌توان مطرح نمود، آیا شرایط طرح دعوی طاری در نظام دادرسی دادگاه‌ها با شرایط آن در فرآیند داوری تجاری یکسان است یا تفاوت‌های ماهوی و شکلی میان آن‌ها وجود دارد؟

در پاسخ به سوال مطرح شده می‌توان این فرضیه رو بیان کرد که با وجود شباهت‌هایی در شرایط عمومی اقامه دعوی طاری در دادگاه و داوری مانند وجود نفع، اهلیت و وحدت منشا، اما به دلیل ماهیت قراردادی و توافقی داوری، شرایط اختصاصی آن با دادرسی رسمی دادگاه‌ها

تفاوت‌های اساسی دارد؛ از جمله در لزوم توافق طرفین، نقش موافقت‌نامه داوری، و انعطاف‌پذیری در تشریفات

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که شرایط اقامه دعوی طاری در دادگاه و داوری دارای شباهت می‌باشد اما در شرایط اقتصادی با توجه به توافق‌پذیری داوری می‌تواند دارای تفاوت باشد.

۵. بحث

۵-۱. شرایط عمومی طرح دعوی طاری در

دادگاه

به طور کلی یک اصلی اساسی و یک قاعده کلی در تمامی دعوی مدنی که در دادگاه‌ها اقامه می‌شود وجود دارد و آن این است که طرح دعوی بواسطه دادخواست باید صورت گیرد دادخواست را می‌توان نوعی وسیله احقاق حق دانست که این احقاق حق با مراجعه به دادگاه‌ها صورت می‌گیرد. همچنین می‌توان آن را به دو عنوان تقسیم نمود: دادخواست اصلی که در خصوص دعوی اصلی، لازم‌التقدیم است و دادخواست طاری، که از آن می‌توان به «سندی که بوسیله آن خواهان (خواهان به معنای اعم) دعوایی غیر از دعوی مطرح شده فعلی مانند دادخواست دعوی متقابل، دادخواست جلب ثالث و دادخواست دعوی ورود

ثالث مطرح می‌نماید» یاد کرد. (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۵۳)

در ذیل ماده ۱۳۰ قانون آ.د.م یکی از شرایط شکلی لازم جهت اقامه دعاوی ورود ثالث را تقدیم دادخواست عنوان نموده. دادخواستی که برای داخل شدن به دعوی باید توسط ثالث تقدیم شود، (براساس ماده ۱۳۲ قانون آ.د.م)

دعوی متقابل یکی از دو نوع دعاوی طاری است که میان خود متداعیین قابل اقامه است. در واقع از طرق دفاعی است که برای خوانده قانوناً در نظر گرفته شده و توأمان با دعاوی اصلی رسیدگی می‌شود و حکم لزوم ارائه دادخواست برای طرح این دعوی ضمن دعاوی اصلی، در ماده ۱۴۳ قانون آ.د.م آمده، زیرا دعوی متقابل اصطلاحاً عنوان سپر و شمشیر را هم زمان دارد و ممکن است علاوه بر رد ادعای اصلی ادعای جدیدی را عنوان نماید که لزوماً با توجه ماده مذکور و ملاک ماده ۴۸ همین قانون نیازمند تقدیم دادخواست است. (مقصودپور، ۱۳۸۹: ۵۳)

۵-۱-۱. وجود نفع

از دیگر شرایط عمومی طرح دعاوی طاری در اثنای دادرسی، می‌توان لزوم وجود نفع مرتبط در طرح دعاوی طاری بر طبق قاعده کلی لزوم داشتن نفع در طرح دعاوی عنوان نمود. همانگونه که ماده دو قانون آ.د.م نیز یکی از شرایط اقامه دعوی را ذینفع بودن مدعی دانسته؛ همچنین از بند ۱۰ ماده ۸۴ ق.آ.د.م نیز می‌توان چنین برداشت که «وجود منفعت اختصاص به دعاوی بدوی ندارد بلکه در دعاوی تجدید نظر یا فرجام خواهی و یا در دعاوی طاری نیز مدعی باید دارای نفع باشد.» (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۷)

۵-۱-۲. اهلیت و سمت

همانطور که می‌دانیم یکی از شرایط اقامه دعاوی در محاکم دادگستری آن است که مدعی ذی‌سمت باشد. سمت به معنای قدرت قانونی برای اقامه دعواست که در خواهان و خوانده وجود داشته باشد. (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۷)

سمت در واقع عنوانی حقوقی است که به شخص اجازه اقامه دعوی و پیگیری‌های پس از آن را می‌دهد که همان نمایندگی است و این نمایندگی می‌تواند در قالب وکالت، ولایت، قیمومیت و یا وصایت باشد.

۵-۱-۳. لزوم وجود ارتباط یا وحدت منشاء (بین دعاوی طاری و اصلی)

یکی دیگر از شرایط اقامه دعاوی طاری و استماع آن در محاکم که نه تنها شرط بلکه ویژگی مشترک کلیه دعاوی طاری است، وجود ارتباط بین دعاوی اصلی و طاری است؛ که نشأت گرفته از ماده ۱۷ قانون آ.د.م مدنی است. در واقع قانونگذار با وضع این مقرر در پی این بوده که به حل و فصل دعاوی مرتبط سرعت ببخشد و از صدور احکام متعارض جلوگیری به عمل آورد و بدین نحو شرط اقامه دعاوی طاری را ارتباط آن با دعاوی اصلی و یا وحدت منشأ با آن و به گونه‌ای تلازم این دو قلمداد کرده و نتیجه را رسیدگی همزمان دو دعا در نظر گرفته است. رسیدگی همزمان دعاوی اصلی و طاری به منزله استثناء بر اصل استقلال دعاوی متعدد میان اشخاص واحد است و ضرورت انجام آن تنها در صورت وجود ارتباط کامل بین دعاوی متعدد مجاز شناخته شده است. (امامی، ۱۳۹۲: ۲۶)

با نگاه به مواد ۱۷ و ۱۴۱ قانون آ.د.م به دو لفظ ارتباط کامل و وحدت منشأ بر می‌خوریم که وجود هر یک از آنها یکی از شرایط طاری تلقی

شود اما احتمال دیگر که موجه‌تر است آن است که به دعوی تقابل به استناد ماده ۱۰۳ قانون مذکور به صورت توأمان رسیدگی می‌شود. (زراعت، ۱۳۹۱: ۳۸۱)

دعوی جلب ثالث نیز باید در بازه زمانی خاصی مطرح شود و این زمان برای اصحاب اصلی دعوی جهت اظهار و ارائه جهات و دلایل خود تا پایان جلسه اول رسیدگی است، و مهلت تقدیم دادخواست نیز مطابق ماده ۱۳۵ قانون آ.د.م. سه روز پس از اولیه جلسه عنوان شده است. در خصوص نهاد ورود ثالث در دادرسی‌ها نیز مهلت اقامه دعوی نسبت به سایر دعاوی طاری گسترده‌تر بوده و قانونگذار در ماده ۱۳۰ طرح دعوی ورود ثالث را تا قبل از خاتمه یافتن دادرسی، از سوی اشخاص بیگانه از دعوی صحیح دانسته و به آن وجاهت قانونی بخشیده است. (امامی، ۱۳۹۲: ۱۸)

۵-۱-۵. رعایت صلاحیت ذاتی

رعایت برخی از اصول دادرسی به معنای خط قرمز در دادرسی‌ها محسوب می‌شود و با نظم عمومی در ارتباط است. رعایت صلاحیت ذاتی دادگاهها در طرح دعوی نیز از این قسم است و رعایت آن جزء بایدهای شروع به رسیدگی است و در دعوی طاری نیز مطابق ذیل ماده ۱۷ قانون آ.د.م. دادگاهی صلاحیت رسیدگی به دعوی طاری را دارد که دعوی اصلی در آن در جریان است؛ لذا بنظر می‌رسد اگر دادگاه رسیدگی کننده صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوی طاری را نداشته باشد ممنوع از رسیدگی به آن است. پس بدیهی است که خواهان این دعا بایستی دعوی خود را در دادگاهی که صلاحیت ذاتی برای رسیدگی را دارد طرح و پیگیری نماید، ولی در هر حالت دادخواست باید به دادگاه رسیدگی کننده

شدن دعوی جدید محسوب می‌شود. البته وجود ارتباط کامل یا وحدت منشأ بین دو دعوی اصلی و طاری نه تنها شرط اقامه دعوی تقابل است، بلکه شرط تقابل نام گرفتن این دعوی نیز محسوب می‌شود. در غیر این صورت این دعوی متقابل شمرده نشده و باید آن را در قالب دعوی مستقل اقامه نمود.

۵-۱-۴. طرح دعوی در مهلت مقرر در

دادگاه

یکی از اصول مهم دادرسی رعایت مهلت اقامه دعوی است که به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و فرصت دفاع برای متداعیین در نظر گرفته شده و عدم توجه به آن بالطبع نتیجه ناخوشایندی خواهد داشت. در واقع رعایت مهلت مقرر برای طرح اینگونه دعاوی از لزومات استماع آن در محاکم است و از آن جایی که طرح دعوی طاری در دادگاهها مبتلی به فراوان دارد. (حسن زاده، ۱۳۹۳: ۴۹)

برهمن اساس عدم رعایت مهلت در طرح این دعاوی، ممکن است به نادیده گرفتن حق افراد و عدم رسیدگی به دعوی موصوف ختم گردد. ماده ۱۴۳ آ.د.م. در خصوص مهلت اقامه دعوی تقابل عنوان نموده که، مدعی دعوی تقابل تا پایان اولین جلسه فرصت تقدیم دادخواست مذکور را دارد و این به این معنا می‌باشد که خوانده می‌تواند دعوی متقابل را پیش از اولین جلسه دادرسی (مقصود از اولین جلسه دادرسی جلسه‌ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد) (کریمی، ۱۴۰۲: ۲۴۴) نیز اقامه نماید. ضمانت اجرای عدول از این مقرر در این ماده نیامده است؛ اما یک احتمال آن است که مطابق ماده دوقانون آ.د.م. عمل شود و قاضی قرار عدم استماع دعوی صادر کند و مستقلاً رسیدگی

به دعوای اصلی تقدیم شود، زیرا این دادگاه است که باید از اقامه دعوای طاری مطروحه مطلع باشد تا اگر رسیدگی به دعوای اصلی را منوط به مشخص شدن نتیجه دعوای طاری تشخیص دهد، رسیدگی به دعوای اصلی را تا پدیدار گشتن نتیجه آن دعوی متوقف نماید. (امیدیان فر و پاپری کمارجی، ۱۴۰۲: ۳۸)

۵-۲. شرایط دعوای طاری در داوری

داوری به دلیل سرعت بخشی به روند رسیدگی بر اساس قانون نسبت به رعایت تشریفات داوری الزامی نداشته و به دلیل دستیابی زودتر طرفین دعوی و حتی شخص ثالث به خواسته خویش، معاف از رعایت بعضی از قوانین و مقررات قانونی است که فقط دارای جنبه تشریفاتی باشند. قوانین و مقرراتی که چشم‌پوشی از آنها منجر به چشم‌پوشی از اصول دادرسی نخواهد شد. بدین ترتیب بعضی از شرایطی که جهت استماع و قبول یک دعوی طاری در محکمه لازم‌الرعايه بوده، در فرآیند داوری رعایت آن ضرورتی ندارد ولیکن جهت قبول همین دعوای در داوری نیز شرایطی مطرح است که همانگونه که مقنن ذیل ماده ۶۵۷ از قانون آیین دادرسی مدنی آورده که: «داوران در فرآیند رسیدگی و اصدار حکم از اصول محاکمه تبعیت نمی‌کنند، اما بایستی به شرایط قرارداد داوری پایبند باشند.» تبیین چنین شرایطی اهمیت بسیار زیادی دارد، چراکه بدینوسیله از رویه‌های مختلفی که مراجع داوری امکان دارد در مقابل پذیرش دعوای طاری مطرح شده آن را پیش بگیرند، ممانعت می‌گردد.

براساس قواعد آنسیترال مصوب ۱۹۷۶، هیچ بحثی تحت عنوان ورود ثالث مطرح نشده بود. در قواعد آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ نیز مقرره‌ای نیز در نظر گرفته نشد. در سال ۲۰۰۶ نیز اشاره‌ای به

ورود ثالث نشد، اما لازم به ذکر است که در نسخه اصلاحی قواعد داوری مصوب ۱۹۷۶ و همچنین در سال ۲۰۱۰ ذیل بند ۵ ماده ۱۷ ورود ثالث را منوط به درخواست طرفین دعوی با شرایطی در نظر گرفته است. به همین منظور در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با وجود اقتباس از قانون نمونه داوری آنسیترال، امکان ورود شخص ثالث و مطرح شدن دعوی طاری در ذیل ماده ۲۶ در نظر گرفته شده است. (کریاکی، ۲۰۱۰: ۲۴۲۶؛ گیلارد و همکاران، ۱۹۹۶: ۱۶۰)

همانگونه که بیان شد دعوی متقابل یکی از اقسام دعوای طاری است که براساس ماده‌ی ۹ قواعد اتاق داوری بازرگانی بین‌المللی مصوب ۲۰۲۱ بیان شده است که دعوای ناشی از یا در ارتباط با بیش از یک قرارداد ممکن است در یک داوری رسیدگی شوند که این نشان‌دهنده پذیرش دعوای متقابل براساس داوری بازرگانی بین‌المللی است. (مافی و شمسی، ۱۳۹۹: ۲۷۶)

برای مثال می‌توان به رای داوری به شماره ۳۶/د/۸۷/۱۹/۲۳۲ به داوری محمدباقر میرسراجی اشاره نمود که این دعوی اختصاص به دو برگه چک برگشتی برای قرارداد تعدادی آدامس ساخته شده توسط شرکت گاملینگ بوده است که طرف معامله برای چک‌های برگشتی به موجب ماده ۱۳ به داوری اتاق بازرگانی رجوع کردند. در این درخواست داوری، دواي متقابل، استرداد درخواست یا ادعا مطرح شد. که در این پرونده دعوی متقابل با توجه به استرداد ادعای اصلی، نقش دعوی مستقل متقابل به خود گرفته است. (عالی پسند، ۱۳۹۹: ۲۵۰)

به عبارتی بدین سبب که در هیچ کدام از مقررات بین‌المللی و داخلی در ارتباط با پذیرش دعوای طاری در داوری نصی وجود ندارد و در خصوص

شرایط طرح دعاوی طاری نیز قانونی در نظر گرفته نشده است و به این دلیل که قوانین راجع به قیود و شرایط الزامی جهت قبول این دعوی در داوری بطور کامل مسکوت باقی مانده و خلاهایی دارد. (شهنازی کنگ تپه، ۱۳۹۹: ۴۲)

۵-۲-۱. شرایط عمومی طرح دعاوی طاری در داوری

طرح دعاوی طاری در فرآیند داوری مستلزم وجود شرایطی می‌باشد که طرح دعوی در چنین مراجعی صرفنظر از محقق گشتن آنها با چالش‌هایی روبرو خواهد شد. بدون توجه به شرایط عمومی طرح دعاوی که در اقامه‌ی همه‌ی دعاوی اعم از داوری و محاکم مشترک بوده، در این مبحث از شرایطی صحبت می‌گردد که بین تمامی دعاوی طاری در محاکم داوری عمومیت داشته و لزوم رعایت آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ هرچند که عبور از شرایط عمومی اقامه دعاوی از جمله اهلیت، وجود نفع، سمت و... چندان آسان نیست. (Mayer, 2021: 186)

۵-۲-۱-۱. طرح دعاوی طاری در مهلت مقرر

در خصوص طرح دعاوی طاری در زمان‌های تعیین شده در دادرسی صحبت شد ولیکن در فرآیند داوری هم این پرسش قابل طرح است که آیا این زمان‌های تعیین شده جهت طرح دعاوی طاری در داوری هم وجود دارد؟ در جواب این پرسش می‌توان اظهار نمود که قانون داوری داخلی زمان مشخصی را جهت طرح دعاوی طاری ارائه نداد ولیکن با ملاحظه‌ی قوانین داوری بین‌المللی می‌توان چنین بیان داشت که زمان مقرر جهت طرح دعاوی ورود شخص ثالث و جلب ثالث بر اساس ماده ۲۶ از قانون داوری تجاری بین‌المللی تا پیش از پایان یافتن فرآیند رسیدگی داوری می‌باشد. در رابطه با زمان مقرر جهت اقامه

دعاوی متقابل در فرآیند داوری نیز چنین مقرر گردیده که: خواهان بایستی در داوری‌های بین‌المللی توأمان با تقدیم لایحه پاسخ بعد از یک ماه از تاریخ پذیرش خواهان است، و به دبیرخانه مجمع داوری، آن تقاضا را باید ارائه دهد. (صفایی، ۱۳۹۵: ۲۷۷) از نظر قوانین و مقررات ایران ماده ۲۱ آیین‌نامه داوری در نظر گرفته است که هر ادعای متقابلی همراه با پاسخ داوری از طرف خوانده ارائه شود. ولیکن درمورد زمان اقامه‌ی دعوی اضافی بر دعوی اصلی از طرف خواهان در داوری هیچ مطلبی ارائه شده است و چنین متصور است که خواهان به منظور اقامه‌ی دعوی اضافی در داوری نیز همچون دادرسی تنها تا ختم جلسه اول رسیدگی قادر است دعوایی اضافی که با دعوای اصلی مربوط باشد را ارائه کند و یا اینکه بر خواسته‌ی خویش اضافه نماید.

۵-۲-۱-۲. ارائه‌ی دادخواست در داوری

ارائه‌ی دادخواست در محاکم از جمله شیوه غیر قابل گذشت در دادگاه تلقی می‌شود و قانونگذار نسبت به آن تاکید و تصریح کرده است، ولی در خصوص تقدیم دادخواست در نزد داوری با توجه به ماده ۴۷۷، در هیات داوری قابل توجه است و نیز در فرآیند رسیدگی داوری، وجود نداشتن تشریفات خاص یکی از خصوصیات آن به شمار رفته است. (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۸۱) با این تفاسیر رعایت بعضی از تشریفات غیر قابل اجتناب بوده و چنین متصور است که ارائه‌ی دادخواست جهت رسیدگی داوری نزد داوران هم یکی از آن جمله می‌باشد. با مروری بر قانون داوری بین‌المللی چنین متصور است که داوری تجاری بین‌المللی در نتیجه‌ی ارائه‌ی دادخواست یا درخواست توسط خواهان آغاز می‌گردد. در داوری تجاری بین‌المللی ذیل بند الف از ماده چهار بطور صریح و مشخص

مراعات نمایند. در مورد شرط ضرورت وجود رابطه یا وحدت منشأ میان ادعای اصلی و طاری که از جمله شروط طرح دعوای طاری در دادرسی است، و این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که طرح دعوای طاری در داوری از جمله شروط قاعده دادرسی به معنای اعم است و لازم‌الرعايه تلقی می‌گردد؟ یا اینکه مرتبط نبودن دعوای طاری با دعوای اصلی یا عدم اتحاد منشاء میان آن دو هیچ خللی در پذیرش و استماع دعوای طاری اقامه شده در داوری بوجود نمی‌آورد و در حقیقت قسمتی از تشریفات دادرسی بوده و قابل اغماض می‌باشد؟ (دریایی بغدادی و دهقان چناری، ۱۳۹۴: ۶)

امکان دارد این فکر به ذهن خطور کند که ارتباط داشتن دعوای با هم در داوری اهمیت بسیاری نداشته باشد. با چنین استدلالی که به منظور رسیدگی همزمان دو دعوی اصلی و طاری و رسیدگی هم زمان به دو اختلاف، کافی بوده تا با توجه به نوع دعوای طاری اقامه شده، چنانچه موافقت طرفین و در دعوای ثالث رضایت شخص ثالث هم موجود باشد و داور داوری را بپذیرد و شرط وجود ارتباط یا اتحاد منشا میان دو ادعا غالباً به مانند مانعی است که مانع از انجام سریع رسیدگی به دعوای می‌شود و بدین سبب که مقصود از برقراری داوری، جلوگیری از اطاله دادرسی و تسريع در رسیدگی بوده، در نتیجه اگر در دعوای طاری داور که با دعوای اصلی هم منشا و یا مرتبط نبوده را مورد پذیرش قرار ندهند و حکم به رسیدگی همزمان دو دعوی ندهد، از این رو این هدف اساسی از اهداف داوری که همانا سرعت بخشی به رسیدگی‌ها و بها دادن به خواست و اراده متداعیین می‌باشد ناکام خواهد ماند. (احمدی، ۱۳۹۹: ۲۱)

چنین آمده است که آغاز فرآیند داوری با درخواست انجام می‌پذیرد اما ضرورتی نداشته که این درخواست در فرم مخصوص چاپی ارائه شود و در درخواست مذکور می‌بایست ارجاع به نهاد داوری تقاضا گردیده باشد. (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۱۸۸) برخی سازمان های داوری، از جمله مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، ارائه‌ی درخواست مذکور را از جانب شخص متقاضی و دریافت آن توسط داور را الزامی برشمرده‌اند و در شیوه‌نامه های صادره در این باره، مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است ولیکن قانون داوری داخلی و بین‌المللی راجع به ضرورت ارائه‌ی دادخواست طاری در هیچ جا مطلبی قید ننموده است؛ و اینکه چنانچه دیگر شرایط مورد نیاز جهت اقامه‌ی دعوی طاری که پیش از این نیز شرح داده شد وجود داشته باشد آیا مدعی دعوای طاری بایستی ادعای خود را به صورت دادخواست ارائه کند و یا ضرورتی به تقدیم دادخواست نمی‌باشد؟

همانگونه که شرح آن گذشت، هیچ منبع قابل استنادی در این باره در دست نمی‌باشد، چراکه علی‌الاصول مباحث مربوط به طرح دعوای طاری در داوری، در مباحث ارائه شده از منظر حقوقدانان و قانون به صورت مبهم بیان شده است. علت این امر در ارائه درخواست دعوای اتفاقی در داوری می‌باشد که به نظر می‌رسد این موضوع یک استثنا بر استثنا تلقی می‌شود، لذا حقوقدانان از این موضوع استقبال نکرده‌اند و به اظهارنظرهایی مبهم پرداخته‌اند.

۵-۲-۱-۳. وجود ارتباط یا وحدت منشاء

بین (دعوای اصلی و طاری در داوری)

داور یا هیئت داوران ملزم به پیروی از تشریفات آ.د.م نیستند در عین حال باید برخی از اصول و قواعد دادرسی را که نمی‌شود نادیده گرفت

از بخش پنجم خود به همین موضوع اختصاص دارد. (سربازیان و رنجبری، ۱۳۹۵: ۷۱) دوماً طرفین بر طرح آن در اثنای رسیدگی توافق نموده باشند و این مورد از این جهت اهمیت دارد که برخی حقوقدانان سند تأسیس و مبنای صلاحیت هیأت داور را موافقتنامه داور می‌دانند. (امیرمعزی، ۱۴۰۱: ۲۷۸)

۵-۲-۱-۴-۱. صلاحیت موضوعی داور

در داور به مثابه دادگاهها اصل بر صلاحیت رسیدگی به تمامی دعاوی و موضوعات است مگر آن چه که به موجب قانون استثناء شده باشد. در واقع یکی از شرایط داور (یکی از شرایط استماع دعوی توسط داور) آن است که موضوع آن قابلیت ارجاع به داور را داشته باشد.

ماده ۴۹۶ آ.د.م صلاحیت موضوعی داور را در رسیدگی به دعاوی ورشکستگی، اصل نکاح و فسخ آن، طلاق نسب و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی (در دعاوی تجاری) که به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس نرسیده مخدودش اعلام نموده، لذا دعاوی طاری هم که حین رسیدگی به دعوای اصلی اقامه می‌گردند نیز از همین حکم پیروی نموده و باید قابلیت رسیدگی داور را که قانونگذار آن را در ماده فوق‌الذکر بیان نموده داشته باشند. موضوعی که ثالث یا یکی از طرفین به عنوان یک ادعای طاری قصد طرح آن را دارد باید طبق قانون داورپذیر بوده و داور در رسیدگی به آن صالح باشد. (نیشابوری و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۰۵)

۵-۲-۱-۴-۲. صلاحیت قراردادی داور

صرفنظر از صلاحیت موضوعی، داور صلاحیت اصلی خود را برای رسیدگی به دعاوی در داورهای اختیاری از توافق اراده طرفین اخذ می‌نماید. در واقع مهمترین شرط جهت صالح

مبتنی بر چنین تفکری شاید بتوان بدین‌صورت استدلال نمود که ضرورت وجود ارتباط و یا وحدت منشا به منظور طرح دعاوی طاری را نبایستی به مثابه‌ی شرطی جهت طرح این دعوی دانست چراکه اعمال آن با یکی از اساسی‌ترین اهداف داور که عبارتست از رسیدگی سریع به دعاوی در تعارض می‌باشد؛ بنابراین ضرورت رعایت آن در نهاد داور که ناشی از خواست و اراده طرفین دعوی بوده، احساس نمی‌گردد، این در حالیست که رعایت این مهم در فرآیند دادرسی محاکم چنانچه از نظر صلاحی نسبی رد گردد، ولی داور مکلف است که مطابق قوانین ایران، مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی قوانین را رعایت کند و دیگر تشریفات و شرط‌های محدود کننده را می‌تواند رعایت نکند. لذا در دعاوی جلب ثالث و ورود ثالث اگر توافقی وجود داشته باشد، دیگر مکلف به رعایت سایر شروط از نظر ارتباط با وحدت منشا نمی‌باشد. شاید بتوان در قالب استناد به ماده ۴۷۵ قانون آ.د.م نیز اشاره کرد که در آن به غیر از شرط تراضی بین اصحاب دعوی و ثالث به شروط دیگری از جمله شرط ارتباط یا اتحاد منشا بین دو دعوی اشاره ننموده است. (متین دفتری، ۱۴۰۲، ج ۱: ۲۵۷)

۵-۲-۱-۴. صلاحیت داور در رسیدگی به

دعاوی طاری

داور صلاحیت خود را از دو چیز می‌گیرد بدو از قانون و سپس از موافقتنامه و یا به عبارت بهتر توافق طرفین. در واقع آنچه که از فحوای قانون و کلام حقوقدانان برداشت می‌شود این است که موضوعی که به عنوان یک ادعای طاری در داور مطرح می‌شود، اولاً باید داورپذیر باشد؛ یعنی به موجب قانون، داور صلاحیت موضوعی رسیدگی به آن را داشته باشد کنوانسیون نیویورک در ماده دو

در بند دوم شرایط اختصاصی طرح دعاوی تقابل و اضافی در داوری ذکر می‌گردد.

۵-۲-۱. شرایط اختصاصی طرح دعاوی ورود و جلب ثالث در داوری

برای تبیین شرایط اختصاصی دعاوی طاری در داوری، چندین ماده قانونی را مورد واکاوی قرار می‌دهیم. قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۱۳۶، ورود شخص ثالث را در دادرسی مقرر کرده است تحت عنوان شرط ورود شخص ثالث به دعوی پیش از خاتمه یافتن جلسه‌ی دادرسی و تقدیم دادخواست جهت ورود یافتن به آن مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین در ماده ۴۷۵ از قانون مذکور ورود شخص ثالث و یا جلب شخص ثالث به داوری به تراضی شخص ثالث با اصحاب دعوی اصلی منوط گردیده است.

ایضاً ماده ۲۶ از قانون داوری تجاری بین‌المللی (مصوب سال ۱۳۷۶) از جمله شرایط ورود شخص ثالث به فرآیند داوری را ورود او پیش از ختم رسیدگی، پذیرش مجموعه داوری (شامل قرارنامه داوری، آیین رسیدگی داوری و داور رسیدگی کننده و ...)، پذیرش اصحاب دعوی اولیه با ورود شخص ثالث به داوری دانسته است.

به دیگر سخن، قانونگذار در ماده‌ی فوق‌الذکر به ذکر شرایط اختصاصی ورود شخص ثالث به فرآیند داوری روی آورده و این شرایط را به صورت اجباری و لازم‌الاجرا در نظر گرفته است. همچنین طرفین اصلی دادرسی ایراد ورود ثالث (در حقیقت سکوت آنان را به منزله‌ی رضایت آنها دانسته) را مورد اشاره قرار داده است. در نتیجه‌ی اجماع مادّین مذکور می‌توان به منظور تبیین شروط مختص طرح دعاوی با مداخله‌ی شخص چنین بیان داشت که با وحدت ملاک از این چند مقررهای قانونی و ضمن کشف اراده قانونگذار

شناخته شدن داور برای رسیدگی به دعوی وجود موافقتنامه داوری است که از آن می‌توان به توافق طرفین مبنی بر ارجاع اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین (قراردادی یا غیر قراردادی) به داوری، که در آینده ممکن است رخ دهد، یاد کرد چه این توافق در قالب عقدی جداگانه باشد بصورت شرط ضمن عقد، خواه داور یا داوران در آن توافق معین کنند یا خیر. هر صورت طرفین اختلاف به موجب آن داور را در صورت ایجاد اختلاف در آینده، صالح برای رسیدگی می‌دانند در دعاوی طاری نیز در صورتی که طرفین (امیرمعزی، ۱۳۸۷: ۲۷۸)

در در قراردادی که به عنوان قرارنامه داوری منعقد کنند و یا در شرطی که ضمن یک عقد لازم، به طرح احتمالی هر یک از دعاوی طاری ضمن دعاوی اصلی توافق می‌نمایند داور صلاحیت و شایستگی خود را در رسیدگی و صدور رأی به دعاوی مذکور می‌یابد همانگونه که برخی اساتید حقوقی صاحب‌نظر در این زمینه، داوری را به طور کلی داوری را مخلوق قرارداد میان طرفین می‌داند و معتقدند که «با تراضی طرفین در موافقتنامه یا شرط داوری است که صلاحیت و شایستگی برای داورها بوجود می‌آید؛ زیرا داوری روشی میانه بین آزادی و نظم است. (باقری، ۱۳۸۶: ۵۷)

۵-۲-۲. شرایط اختصاصی طرح دعاوی طاری در داوری

استماع و اقامه دعاوی طاری در داوری مستلزم شرایط عمومی و اختصاصی می‌باشد. شرایط اختصاصی تحت شروط خاصی می‌باشد که بدان لفظ اختصاصی داده‌اند و طی دو بند آتی شرح داده می‌شود. در بند نخست شرایط اختصاصی طرح دعاوی ورود و جلب شخص ثالث در داوری و

چنین متصور است که با اجماع این چند شرط (مضاف بر شروط عمومی که پیش از این شرح داده شد) ورود شخص ثالث به فرآیند داوری ایرادی نخواهد داشت. (احمدی، ۱۳۹۹: ۲۳)

اول اینکه در صورت مدعی حق یا نفعی بودن شخص ثالث برای خویش، باید بر اساس نص صریح قانونی (ماده ۲۶ از قانون داوری تجاری بین‌المللی) تا پیش از پایان یافتن رسیدگی بوسیله هیأت داوران، به فرآیند دعوی رود یابد اما چنانچه ورود ثالث بعد از ختم رسیدگی‌ها باشد، حتی در صورتیکه هنوز داور حکمی را صادر ننموده باشد، صرفاً حق از شخص ثالث سلب خواهد شد و به موجب بخش اخیر ماده ۴۱۸ از قانون آ.د.م.ا صرفاً بعد از صدور رأی از حق اعتراض شخص ثالث در محاکم ذی‌صلاح برخوردار خواهد بود.

دوماً وجود ثالث در فرآیند رسیدگی داوری چه به مثابه کسی که با خواست و اراده خویش در دادرسی حاضر شده و چه به مثابه کسی که به ناچار در فرآیند رسیدگی قرار گرفته، در آن صورت دارای مجوز قانونی است که شخص ثالث به عضویت موافقتنامه داوری درآید؛ به عبارتی هیچ کس قادر نخواهد بود که صرفنظر از پذیرش قرارداد داوری به فرآیند داوری ورود پیدا کند. بدین ترتیب ثالث در روند رسیدگی داور، قادر نخواهد بود که به دعوی ورود یابد و یا بوسیلهی اصحاب دعوی به این فرآیند جلب شود، الا در صورتیکه هم قرارداد داوری را مورد پذیرش قرار دهد و هم با داور و آیین داوری که خودش در تعیین آن فاقد هرگونه نقشی بوده موافق باشد. (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۱۰۸)

سومین شرط عبارتست از اینکه در دعوی ورود شخص ثالث، اصحاب دعوی اصلی هم می‌بایست

موافق با ورود شخص ثالث باشند و یا دست‌کم نسبت به ورود وی خرده نگیرند، چون همانگونه که شرح داده شد، رضایت کلیه طرفین دعوا در داوری چند طرفه از جمله شروط الزامی جهت حضور شخص ثالث در داوری به شمار می‌رود و این امر بدان سبب می‌باشد که شخص ثالث در موافقتنامه داوری حضور ندارد و راجع به ورود وی در قراردادنامه فیما بین طرفین دعوی هیچگونه اشاره‌ای صورت نگرفته است، چراکه عقد، حاصل توافقی می‌باشد که هر دو طرفین دعوی در این باره داشته‌اند فلذا طبیعی خواهد بود که آثار و پیامدهای ناشی از آن می‌بایست دامنگیر افرادی گردد که در انعقاد عقد دخیل بوده‌اند (بابازاده، ۱۳۹۳: ۴۷) این در حالیست که شخص ثالث خارج از محدوده‌ی این قلمرو بوده؛ به سخن بهتر، ورود ثالث به فرآیند داوری خارج از دایره تراضی و چارچوب قراردادی داور است فلذا به منظور پذیرش دعوی ورود شخص ثالث و یا جلب وی بوسیلهی داور به ناچار موافقت بعدی اصحاب دعوی مورد نیاز می‌باشد و بدلیل اینکه حضور شخص ثالث در قرارداد داوری خالی بوده از این-رو، این حق طرفین دعوی خواهد بود تا در مورد حضور او در فرآیند داوری جهت طرح دعوی طاری تصمیم‌گیری نموده و در این باره موافقت یا مخالفت کنند.

۵-۲-۲. شرایط اختصاصی طرح دعاوی

تقابل و اضافی در داوری

رضایت طرفین دعوی در داوری‌های بین‌المللی یکی از شروط مهم به شماره می‌رود. بر اساس آنچه که سابق بر این به مراتب شرح دادیم، هر زمان که طرح دعوی طاری در قرارداد داوری و یا در شرط ضمن عقدی پیش از بروز اختلاف میان طرفین مورد تراضی اطراف واقع نشده و از خارج

علاوه بر این موضوع نیز وجود دارد و بیان می‌شود که شخصی که در دعوا به عنوان وارد ثالث حضور می‌یابد، علاوه بر اینکه باید موافقت طرفین را بگیرد، لزوماً می‌بایست مقررات و آیین نامه‌ی داوری و قرارنامه را امضاء نماید. یعنی شرط داوری را باید بپذیرد. (ادیب، ۱۴۰۲: ۱۸۹)

در داوری اتاق بازرگانی هم چه در ایران و چه در تهران، در آیین‌نامه‌ی داوری این شرط آورده شده و بیان شده چنانچه وارد ثالث می‌خواهد حضور یابد، باید موافقت‌نامه‌ی داوری آن‌ها را بپذیرد و موافقت طرفین را هم داشته باشد. یعنی یک شرط دیگر را به وی تحمیل می‌کنند اما در قانون دادرسی مدنی ما این شرط وجود ندارد که حتماً قرارنامه را امضاء نماید و وجود موافقت کفایت می‌کند. یعنی طرفین موافقت می‌کنند که شخص در دعوای آن‌ها شرکت کرده و بعد به دعوا رسیدگی می‌شود. (عالی پسند، ۱۳۹۹: ۳۵۰) حال علت اینکه جلب ثالث در اینجا نمی‌تواند حضور داشته باشد چیست؟ می‌دانیم که اصحاب دعوا، مالک دعوا هستند و قاضی شخص بی‌طرف است. داور هم شخص بی‌طرف است. طرفین هستند که تعیین می‌کنند و به داور می‌گویند که در خصوص یک مورد خاص نظر بدهد. حال یک شخص ثالث می‌خواهد حضور یافته و ادعای خود را نسبت به موضوع مطرح کند. طرفین می‌توانند بگویند که نمی‌خواهند این شخص ثالث در دعوای آن‌ها دخالت نماید و اگر ادعایی دارد، به رأی داور اعتراض ثالث کند. این اعتراض ثالث در ماده‌ی ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد. ولی در جلب ثالث، شخص مجلوب ثالث هیچ ادعایی ندارد. نه طرف قرارنامه‌ی داوری است و نه طرف قرارداد است. شخص خواهان یا خوانده‌ی پرونده‌ی اصلی نزد داور، حضور یک شخص را درخواست

از شمول قرارداد داوری باشد به منظور اقامه‌ی چنین دعوی، مستلزم یک توافق علیحده خواهد بود. (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۸۲)

در حقیقت اساسی‌ترین شرط جهت اقامه‌ی دعوی اضافی به ویژه در داوری‌های بین‌المللی عبارتست از اینکه طرح چنین دعوای جزء گستره و حوزه‌ی شروط داوری است. در غیر این صورت توافقات سابق برای ارائه درخواست دعوای ضروری است و می‌توان مضاف بر آن، طرح دعوای طاری از طرف خواهان و دعوای متقابل خواننده، درخواست گردد. همچنین طرح دعوای اضافی و تقابل در خصوص دعوای ورود شخص ثالث در نظر گرفته شده است و در داوری هم متاع بوده، نایبستی جهت به تأخیر انداختن فرآیند داوری و به طول انجامیدن این مهم صورت گیرد والا به موجب قانون (ماده ۴۸۹ آ.د.م) داور از این حق برخوردار است که از قبول چنین دعوایی امتناع ورزد، چراکه در داوری که از قول یکی از اساتید به نحوی عدالت خصوصی محسوب می‌شود، (باقری، ۱۳۸۰: ۵۶)

۵-۲-۳. تفاوت طرح دعوای طاری در داوری

موردی و سازمانی

اگر قرار به رسیدگی داور باشد، نخست طرفین باید موافقت نمایند که شخص ثالث و مجلوب ثالث هم حضور داشته باشند. در داوری، مقررات آیین دادرسی مدنی حاکم نیست و اصل محرمانه بودن حاکم است. طرفین هم نمی‌خواهند که از اختلاف آن‌ها شخص دیگر باخبر شود. اگر قرار بر این باشد که وارد ثالث در دعوا حضور داشته باشد، پس حقی برای خود در دعوا قائل است، بنابراین پیش از ورود به دعوا باید موافقت طرفین را کسب نماید.

اگر طرفین موافقت نکنند، به ادعای شخص داور رسیدگی نمی‌شود. در داوری بین‌المللی، شرطی

می‌کند، اما شاید آن شخص نخواهد که حضور یابد. فلذا در داوری، چیزی به نام جلب ثالث وجود ندارد. بعضی استدلال می‌کنند که ممکن است برای ثابت کردن یک ادعا، به حضور یک شخص نیاز باشد. یعنی وی را به دادرسی جلب می‌کنیم. اگر ایشان موافقت نامه‌ی داوری را امضا کرد، پس ایشان موافقت نامه را پذیرفته است و این شخص جزء اصحاب دعوا خواهد بود و به ماده‌ی ۴۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به داوری ارجاع شده و دعوای مطروحه نزد دادگاه است. (سایت داور ایران)

به نظر نگارنده در داوری سازمانی قواعدی وجود دارد که در این پژوهش مورد بحث قرار گرفت، اما در خصوص داوری موردی در خصوص الحاق اشخاص ثالث به داوری سختگیری کمتری شده است و تابع توافق طرفین می باشد.

۳-۵. مقایسه میان شرایط استماع دعاوی طاری در داوری با دعاوی طاری در دادگاه ها

در مقایسه بین شرایط استماع این دعاوی در داوری نسبت به دادگاهها، می‌توان گفت که طرح دعوای طاری چه در دادگاه صورت پذیرد چه در مراجع داوری در هر صورت مدعی بایستی به موجب قانون از اهلیت طرح این دعوی تحت عنوان شرط اصلی و اساس استماع دعوا دارای صلاحیت باشد و شرط ذینفع بودن مدعی به نحوی که مختص به دعوای اصلی نباشد و از طرفی، جهت اقامه‌ی دعاوی در محاکم هم لازم‌الرعايه بوده، در مدعی طرح دعوی طاری در مراجع داوری هم می‌بایست وجود داشته باشد تا دعوای وی قابلیت استماع داشته باشد. در حقیقت مدعی و ذینفع برای درخواست دعوای طاری باید اهلیت داشته باشند و اهلیت از ملزومات دادرسی سالم می‌باشد. حالا این اهلیت در دادگاه یا داوری

در نظر گرفته شده باشد. در قانون داوری ماده ۲ شرط اهلیت در داوری به عنوان یک ضرورت مطرح شده است. لازمه‌ی ذینفع بودن مدعی زمان اقامه دعوا، با توجه به اصول منطقی و عقلایی امری انکارناپذیر است و حقوقدانان درخواست ذینفع را برای شروع رسیدگی امری ضروری دانسته‌اند. (شمس، ۱۴۰۲، ج ۳: ۵۴۳) لازم به ذکر است شروط مذکور با نظم عمومی در ارتباط می‌باشند ولی شرط ذینفع بودن در دعوای طاری در داوری به نسبت دادرسی از سختی حداقلی برخوردار بوده و همانند دادگاه غیرمنعطف نمی‌باشد.

علاوه بر موارد فوق شرط مطرح بودن دعوای اولیه برای اقامه دعوای طاری در ضمن آن و در واقع مسبوق بودن دعوای طاری به دعوای اصلی از جمله شروطی است که برای این دعاوی در دادگاه‌ها بیان نمودیم و به جهت بدهت امر از ذکر آن در داوری‌ها خودداری شد اما گفتنی است که این شرط در داوری نیز پابرجاست.

طرح دعوای طاری در مهلت های مقرر در دادگاهها نیز از جمله شرایطی است که قانونگذار جهت پذیرش دعوای مدعی بر رعایت آن تأکید نموده و اگر لزوم رعایت این شرط را در داوری با دادگاه ها مورد قیاس قرار دهیم، نتیجه آن می‌شود که اقامه دعوای طاری در داوری نیز به مانند دادگاه‌ها بایستی در مهلت مقرر صورت گیرد اما مهلت طرح آن با دادگاهها یکسان نبوده مگر در دعوای اضافی که در خصوص مهلت اقامه آن در داوری مقرره‌ای وضع نشده، و به نظر می‌رسد که رویه عملی این باشد که مهلت طرح آن در مراجع داوری و دادگاه‌ها یکسان است.

(مقدم ابریشمی و محبوب، ۱۳۹۵: ۱۸)

علاوه بر این یکی دیگر از شرایطی که برای استماع دعوای طاری در دادگاهها باید رعایت گردد تقدیم دادخواست دعوای طاری مورد نظر است. در واقع برای اقامه دعوای طاری و مورد استماع قرار گرفتن آن توسط محاکم دادگستری لزوماً دادخواست دعوای طاری بایستی تقدیم محکمه گردد تا دعوا پذیرفته و با حصول سایر شرایط مورد استماع قرار گیرد. (رضائی، ۱۳۹۷: ۲۵۲)

لزوم رعایت این شرط را در داوری نیز در مقایسه با دادگاهها در بیانات قبلی بررسی نمودیم و حاصل این قیاس آن می‌شود که در دادگاهها رعایت تشریفات به موجب اراده مقنن بخشی از روند کار قضایی است، که طرح ادعا بر روی برگه‌های مخصوص چاپی و رعایت تشریفات تقدیم دادخواست نیز، جزئی از این تشریفات دادرسی است که رسیدگی‌های داوری خالی از آن بوده و لزوم رعایت این تشریفات در آن به موجب اراده مقنن در بند الف ماده چهار قانون داوری تجاری بین‌المللی مردود اعلام شده است و طرح دعوای طاری در قالب یک درخواست ساده از مراجع داوری کفایت می‌کند. (شهنازی کنگ تپه، ۱۳۹۹: ۴۴)

از دیگر شرایط اقامه دعوای طاری در دادگاهها این بود که دعوای مطروحه با دعوای ابتدایی مرتبط بوده و یا هم منشأ باشند تا دادرس بتواند آن را مورد استماع قرار دهد. در واقع مطابق ماده ۱۷ قانون آ.د.م شرط طاری تلقی شدن دعوای مطروحه این است که با دعوای اصلی دارای یک منشأ بوده یا مرتبط باشد که نتیجتاً به رسیدگی توأمان منجر گردد و در محاکم داوری نیز علی‌رغم اینکه به لزوم وجود این شرط برای طرح دعوای طاری در قوانین اشاره‌ای نگردیده، اما به

نظر می‌رسد که برای اقامه دعوای طاری نزد قاضی تحکیمی و هم چنین برای طاری تلقی نمودن ادعای مطروحه در داوری، هم نیاز به ارتباط میان دو دعوی و یا اتحاد منشأ احساس می‌شود. (عالی پسند، ۱۳۹۹: ۳۵۱)

شرط قبولی داور نیز همانگونه که بیان کردیم از جمله شرایطی است که در جوار رضایت خواهان یا خوانده اصلی برای دعوای طاری در نظر گرفته شده است، ولیکن این شروط را از نظر قضات دادرسی نمی‌بینیم و پذیرش و قبولی قاضی به منظور رسیدگی به دعوای طاری وجود ندارد و قاضی ملزم است که طرح دعوای طاری را که دارای شروط قانونی دعوا را در بطن خود دارد مورد پذیرش قرار دهد و حق استنکاف ندارد. لذا ضرورت شروط مذکور را برای اقامه دعوای طاری در دادگاه نمی‌بینیم.

ضرورت ایجاد موافقتنامه داوری در داوری‌های اختیاری برای صلاحیت شناسایی داور و مورد استماع واقع شدن دعوای طاری اقامه شده از جمله مهمترین شروطی می‌باشد که در محکمه ملاحظه نمی‌گردد. در حقیقت نخستین شرط به منظور حل و فصل اختلافات ناشی از روابط حقوقی به وسیله‌ی داوری عبارتست از توافق قبلی بر سر این مسئله و این امر برعکس رسیدگی قضایی است که نیازی به توافق قبلی اصحاب دعوی دال بر ارجاع اختلاف به محکمه نمی‌باشد. (شهنازی کنگ تپه، ۱۳۹۹: ۴۴)

موافقت اصحاب دعوی اصلی جهت طرح دعوای ورود، توسط شخص ثالث و موافقت طرف مقابل دعوی به منظور طرح دعوی جلب توسط طرف دیگر و همینطور موافقت خود شخص ثالث جهت طرح چنین دعوی یکی از شروط محسوب می‌شود که هم در قانون داوری داخلی یعنی

۶. نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده باید گفت که برای رسیدگی به دعاوی طاری در دادگاه و داوری یکسری شرایط عمومی و اختصاصی وجود دارد. شرایط عمومی شرایطی است که برای اقامه‌ی انواع دعاوی طاری در دادگاه و داوری باید وجود داشته باشد تا مورد استماع قرار بگیرد. همانگونه که بیان شد این شرایط شامل وحدت منشا بین دعاوی طاری و دعاوی منشا است که رابطه حقوقی بر اساس آن، خواهان، دعوا را علیه خوانده مطرح می‌کند. شرط دیگر شرط وجود نفع است که بر اساس آن مدعی باید دارای نفع باشد. شرط دیگر تحت عنوان اهلیت و سمت است که در دعاوی طاری در دادگاه و داوری باید اهلیت و سمت داشته باشد. این دعوا باید در زمان مشخص اقامه شود، زیرا در غیر این صورت باعث اطاله دادرسی و داوری می‌شود. از دیگر شرایط می‌توان به رعایت صلاحیت ذاتی اشاره نمود که با نظم عمومی در ارتباط می‌باشد. این شرایط برای استماع دعاوی طاری در دادگاه و داوری دارای مشابهت می‌باشد و از نظر شرایط توافق شده در داوری می‌توان شرایط اختصاصی برای دعاوی طاری در نظر گرفت.

پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش که آیا شرایط طرح دعاوی طاری در دادگاه و داوری تجاری یکسان است یا خیر، به بررسی تطبیقی این دو نظام رسیدگی پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که اگرچه برخی از شرایط عمومی مانند وجود نفع، اهلیت، وحدت منشاء و رعایت مهلت قانونی، در هر دو نظام حقوقی مشترک هستند، اما تفاوت‌های بنیادینی در شرایط اختصاصی و نحوه اعمال آن‌ها وجود دارد.

قانون آیین دادرسی مدنی و هم در قانون داوری بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. در حقیقت شخص ثالث در قانون ما در این خصوص که داوری را مورد پذیرش قرار دهد و یا بخواهد بصورت جداگانه و مبتنی بر مقررات موجود به دعوی او رسیدگی گردد، مختار بوده ولیکن موافقت وی شرط تعمیم قرارداد داوری به وی خواهد بود. (سربازیان و رنجبری، ۱۳۹۵: ۱۹) لیکن این شرط در محاکم هیچ محلی از اعراب نداشته و هر کدام از اصحاب دعوی قادر است که با اراده و اختیار خود دعاوی اضافی یا تقابل و جلب شخص ثالث را ایجاد نماید و شخص ثالث خارج از دعوی نیز جهت مداخله در دعوی در حال جریان نیازمند جلب موافقت طرفین دعوا نبوده فلذا این شرط در این باره در محاکم ملاحظه نمی‌گردد.

در ادامه می‌توان افزود که اینکه اقامه دعاوی طاری به جهت تبانی و یا به منظور طولانی نمودن جریان رسیدگی نباشد شرطی است که لزوم رعایت آن هم در داوری و هم در دادرسی دادگاه‌ها قید گردیده و به نظر می‌رسد که لزوم رعایت آن در هر دو مرجع یکسان است.

نهایتاً در مقایسه شرایط لازم برای استماع دعاوی طاری در داوری با دادگاه و در پاسخ به پرسشی که در ابتدای مبحث بیان نمودیم می‌توان گفت که، بعضی از شرایط و قیود مذکور در مراجع و یا هیئت‌های داوری با محاکم یکسان می‌باشد که البته شامل اکثر شرایط عمومی می‌گردند اما بعضی از شروط مهم و اساسی که جهت طرح این قبیل دعاوی مورد نیاز بوده، در این دو نهاد یکسان نبوده و متفاوت از یکدیگر می‌باشند و ریشه این امر را شاید بتوان در توافقی و قراردادی بودن اکثریت داوری‌ها در مقایسه با دادگاه‌ها جستجو کرد.

منابع

منابع فارسی

- ادیب، زهرا، تحلیل قانون داوری نمونه آنسیترال با نیم‌نگاهی بر قانون داوری تجاری بین‌الملل ایران، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۹، شماره ۱، ۱۴۰۲.

- امامی، محمد، دعاوی اضافی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۵، شماره ۳، ۱۳۹۲.

- امیرمعزی، احمد، داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ سوم، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۱.

- امیدیان فر، محسن، پاپری کمارجی، فریده، ماهیت و ضرورت طرح دعاوی طاری در حقوق ایران (مطالعه موردی: دعاوی اضافی)، اولین همایش بین‌المللی علوم سیاسی، حقوق و حوزه‌های دینی و مذهبی با رویکرد نگاهی به آینده، ۱۴۰۲.

- احمدی، خلیل، شرایط اقامه دعاوی ورود شخص ثالث در حقوق ایران و قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، مجله علمی مطالعات حقوقی، دوره دوازده، شماره ۲، ۱۳۹۹.

- باقری، محمود، حدود آزادی طرفین در تعیین صلاحیت قضایی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۳۷، ۱۳۸۰.

- بابازاده بهمیری، ندا، نقش و جایگاه ثالث در داوری در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، دانشکده حقوق و علوم انسانی، ۱۳۹۳.

- حسن‌زاده، مهدی، اقامه دعاوی طاری در خارج از مهلت، فصلنامه علمی پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۲، شماره ۴، شماره پیاپی، ۴، ۱۳۹۲.

این تفاوت‌ها عمدتاً ناشی از ماهیت توافقی داوری تجاری و وابستگی آن به اراده و رضایت طرفین است؛ در حالی که دادرسی در دادگاه مبتنی بر قواعد آمره و الزامی است. برای نمونه، در داوری، پذیرش دعاوی طاری مشروط به وجود موافقت‌نامه داوری و رضایت طرفین نسبت به ورود ثالث یا طرح دعاوی تقابل است؛ در حالی که در نظام دادگاه‌ها، این موارد به موجب قانون و بدون نیاز به توافق قبلی قابل اجرا هستند.

بنابراین، فرضیه تحقیق که بر وجود تفاوت‌های اساسی به‌رغم شباهت‌های اولیه در شرایط عمومی تأکید داشت، تأیید می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که شناخت این تفاوت‌ها برای اصحاب دعوی و تدوین‌کنندگان قراردادهای داوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا عدم توجه به آن‌ها ممکن است منجر به عدم استماع دعاوی طاری در فرآیند داوری و تضییع حقوق طرفین شود.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

- دریایی بغدادآبادی، سعید، دهقان چناری، مجید، قواعد داوری آنسیترا (کمیسیون ملل متحد در مورد حقوق و تجارت بین الملل)، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، ۱۳۹۴.
- رضائی، علی، تحلیل قواعد شفافیت آنسیترا در داوری های سرمایه گذاری، نشریه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۳۵، شماره ۵۸، ۱۳۹۷.
- زراعت، عباس، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، ویراست دوم انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۹۱.
- سربازیان، مجید، رنجبری، سهیلا، تعمیم قلمرو موافقتنامه داوری به شخص ثالث و آثار آن، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۸، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد سوم، چاپ سی و هشتم، انتشارات میزان، تهران، ۱۴۰۲.
- شهنازی کنگ تپه، سالار، دعاوی طاری در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و مقایسه آن با قانون آیین دادرسی مدنی، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، ۱۳۹۹.
- صفایی، حسین، حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، چاپ پنجم، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۹۵.
- عالی پسند، ائلناز، امکان ورود ثالث در داوری بر اساس سیر قواعد آنسیترا و قانون داوری تجاری بین المللی ایران و تأثیر آن بر خصوصی و محرمانه بودن داوری، نشریه پژوهش های حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۴۳، ۱۳۹۹.
- کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، هفتم مجد، تهران، ۱۴۰۲.
- مافی، همایون، شمسی، جواد، دعوی متقابل در داوری داخلی و داوری تجاری بین المللی، فصلنامه علمی دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۵، شماره ۹۲، ۱۳۹۹.
- مقصودپور، رسول، شرایط اقامه دعاوی طاری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.
- مقدم ابریشمی، علی، محبوب، مسعود، ساختار حقوقی نظام داوری: سیستم واحد یا دوگانه؟، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۵، شماره ۱۶، ۱۳۹۵.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات مجد، ۱۴۰۲.
- محسنی، حسن، رویکردی تطبیقی بر دعاوی تقابل، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۷۳، پیاپی، ۷۳، ۱۳۹۵.
- مرتضوی، عبدالحمید، آیین رسیدگی داوری تجاری، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، تهران، ۱۳۹۲.
- نیشابوری، مریم، عظیمی گرکانی، هادی، امام جزایری، سیدمحمدرضا، مطالعه تطبیقی دعاوی اضافی در حقوق ایران و آمریکا، مجله حقوق پزشکی، ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰.
- هرمزی، خیراله، دعاوی ورود ثالث تبعی در حقوق ایران و فرانسه، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال پنجم، شماره ۲، پیاپی، ۱۰، ۱۳۹۵.
- سایت داور ایران ۱۳۹۹/۸/۲۹.

منابع لاتین

- www.davariran.com
- Kyriaki Noussia, Confidentiality in International Commercial Arbitration a Comparative Analysis of the Position under English, US, German and French Law (New York: Springer, 2010), 2426.
- E. Gaillard, P. Fouchard and B. Goldman, Traite de 1" arbitrage commercial international (France: The American of International Arbitration, 1996), 160.
- Mayer Brown, The UNCITRAL Expedited Arbitration Rules 2021, Asian Dispute Review, Volume 23, Issue 4 (2021).

